

کردند بر این زمین عاشر ایشان پس هر حال است
 حال بدست مری که باشد این زقوم طعام **قوله**
 طعامها این را ضریع است قال استعا لیس لیس طعام
 الا من ضریع لا یسیر ولا یغنی من جوع نیست
 طعام مگر ضریع که نه فریب کند و نه کفایت کند نه کسکی
 و در بعضی روایات است از رسول الله صلی الله علیه و آله
 ضریع که ضریع جز نیست که باشد در نار شارب خاریع
 از جرم بود ترا جیفه و گرم شد از نار و قتی که خورد
 آن را صاحب کند داخل شود در شکم و نه بیرون آید
 در همین پیش با نماند آن خورنده در میان این زقوم
 و نه کفایت کند اگر کسی و عکرمه داده و مجامیر
 کرده اند بر خنجر خاوار با لاطی باشد بر زمین این فی الجمله
 نایب روایت نکرده می کند که عیث صحیح باشد استعا

و از این

و از این عباس است که ضریع در نخی است از انش
 منافی روایت نکرده نیست و از سید ابن جبر آمده است
 که ضریع شجره زقوم است **قوله** شراب این را جبریم
 قال استعا و ان کیستغیثوا یغاثوا بماء کالمهل
 میشود لوجه و اگر فریاد کند بای فریاد داده شود
 بآب که مانند مهل یعنی شرب که لخته کمی سوز روی را
 و قال استعا سقوا ماء جمیما یقطع امعاءهم
 پس نوشاندن شود آب گرم پس بکنند امعاء ایشان را
 قال استعا یصیب من فوق شمسهم الحمیم انداخته
 از فوق بر ایشان آب گرم و روایت کرده است امام احمد
 و ترمذی و بیهقی از ابی سعید خدری رضی الله عنهما
 که فرمود در تفسیر ما کالمهل کالمهل کرب بن قریب
 بسوی نوشته میف برست کرد و روی از شدت گرمی

این روایت از
 ابن جبر است